چند نگاه به هزار و یک آسیب اجتماعی کلان‌شهرهای ایران

شهر یاران را چه شد

در «طرح نو» امروز مطالبی می‌خوانید از:
اسماعیل شیعه، علی عرب‌احمدی، محمد اسماعیل سعیدی، محمد سالاری، ابوالفضل قناعتی، محمد آزرم، احمد اکبرپور و...

ما دامی که انسان هست، شرارت هست
یادداشتی از سیاوش جمادی

یادداشت

فقدان فرهنگ یکپارچه آسیب بزرگ کلانشهرها

امیلیا نرسیسیانس
انسان‌شناس
و استاد دانشگاه

یکی از مهم‌ترین معضلاتی که شهروندان در شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران، با آن مواجه هستند، ترافیک و بی‌نظمی‌های ناشی از آن است. رعایت‌نکردن قانون، شلوغی شهر، انبوه خودروها، خیابان‌هایی که کشش این همه رفت‌وآمد را ندارند و اعصاب‌هایی که دیگر نمی‌توانند این وضع و این همه فشار را تحمل کنند، از جمله موارد موثر بر موضوع اصلی یعنی ترافیک است. برای حل این مسأله هم ترفندهایی به کار رفته است. مثل این که روزهای زوج و فرد، تردد نوبه‌ای وجود دارد یا طرح ترافیک را برای محدوده‌ای خاص در نظر گرفته‌اند اما با همه این احوال، ترافیک ادامه دارد. شاید راه‌حل اجرایی مدیریت ترافیک و کاهش حجم آن، دولت الکترونیک باشد. این موضوع در صورتی امکان‌پذیر است که زیرساخت‌های مناسب توسعه دولت الکترونیک وجود داشته باشد. اگر شهروندان بتوانند از این طریق امور جاری خود را انجام دهند، تا حدود زیادی از حجم ترددها کاسته می‌شود. مساله دیگر کلانشهرها وجود ساختمان‌های مرتفع یا برج‌هاست که باعث می‌شوند تراکم جمعیت زیاد شود. بیشتر این نوع ساختمان‌ها بدون رعایت ضوابط شهرسازی ساخته می‌شوند. نمونه‌اش کوچه‌باغ‌هایی است که زمانی در شهرها داشته‌ایم و حالا به‌جای آنها برج‌های سر به‌فلک کشیده داریم که زیرساخت درستی هم ندارد. مضاف بر این باید به مسأله مهاجرت هم به‌عنوان مشکل کلانشهرها اشاره کنیم. آن هم در شرایطی که این شهرها ظرفیت این حجم از مهاجرت را ندارند. مسلم است بخشی از این آسیب‌ها بدون پیش‌بینی رخ داده و شهرها ناگهان با آنها مواجه شده‌اند. مثلا از زمانی به بعد خودروها آن‌قدر زیاد شدند که مشکل ترافیک دیگر حل‌شدنی به‌نظر نمی‌رسد. یک دلیل آن خرید آسان خودروهاست و دلایل دیگر به فرهنگی برمی‌گردد که در آن معلوم نیست چرا همه دوست دارند خودرو داشته باشند. این آسیب‌ها فقط به این صورتی که مشاهده می‌کنیم، نیستند بلکه تبعاتی دارند که احتمالا فقط بخشی از آن را می‌بینیم. درحالی که دامنه آنها بسیار وسیع است و به لایه‌های زیرین جامعه صدمه می‌زند. مثلا همین که این آسیب‌ها روابط آدم‌ها با یکدیگر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و روحیه‌ها را عوض می‌کنند، یک نمونه این آسیب‌هاست. اکنون در کلانشهرها با نوعی عصبانیت مواجهیم. این عصبانیت در روابط خانوادگی و کاری و روابط شهروندان با هم و اهالی یک خیابان، به‌وضوح دیده می‌شود و منجر به‌این درست کرده که همه ما در آن گیر کرده‌ایم. با وجود اینها، کارهای زیادی می‌توان برای رفع این آسیب‌ها انجام داد و اولین آنها رعایت قوانین است. مثلا در راهنمایی و رانندگی اگر هر شهروند، خودش را به رعایت قوانینی که می‌داند ملزم کند، می‌تواند خیلی کمک‌کننده باشد. شاید این موضوع در مرحله اول قابل اجرا به‌نظر نرسد اما آسایشی که به‌همراه می‌آورد، می‌تواند افراد را مجاب کند که قوانین را رعایت کنند.

اگر هر شهروند حلال مشکل خودش باشد و فکر کند که خودش مسئولیت دارد -نمی‌خواهیم خیلی فداکاری کند و مسئولیت در قبال دیگران احساس کند- و با اخلاق ترافیکی به خیابان بیاید و این مسأله همه‌گیر شود، می‌توان بخشی از این مشکلات را حل کرد. اگر وقتی من خودم خلاف می‌کنم، بگویم اشکال ندارد و دیگری را به‌خاطر آن خلاف بعداً ناسزا بگیرم، منجر به استاندارد دهای دوگانه‌ای می‌شود که کاری از پیش نمی‌برند. فرهنگ‌سازی در این زمینه خیلی سخت است، چرا که هم به فرهنگ ما برمی‌گردد و هم به شکلی که جامعه و روابط آن به‌خود گرفته است. به اضافه این که مسأله مهاجرت خودش باعث می‌شود که این معضلات دوچندان شوند. هر شهر، فرهنگی خاص دارد اما کلانشهرها این خاصیت را دارند که با یک فرهنگ واحد و یکپارچه روبه‌رو نیستند. این که آدم‌ها همدیگر را نمی‌شناسند، یکی از خصوصیات دیگر کلانشهر است که باعث آسیب می‌شود. در یک شهر کوچک اگر یک نفر در خیابان دیگری را بزند و تصادف کند، همه می‌دانند چه کسی بود. اما کلانشهر این جنبه را ندارد. خیلی کارها را می‌شود در آنها پنهان کرد. از جمله هویت‌ها را. من هویت بدهکاری خودم را می‌توانم پنهان کنم و ناشناس بودن آدم‌ها و بزرگ‌بودن شهر باعث می‌شود که برای هرگونه خلاف و به‌عنوان نمونه خلاف‌های ترافیکی جا باشد.

عکس: امیر خوجه‌پری/ شهروند